

Sl. No of Question Paper: 1426

Unique Paper Code : 209303 Roll No.....
Name of the Paper : Sufistic Literature Prose, Paper-IX
Name of the Course : B.A. (Hons.) Persian
Semester : III
Duration : 3 Hours
Maximum Marks : 75

Instructions for candidates

Unless otherwise required in a question answers should be written either in English or in Hindi or in Urdu ;but the same medium should be used throughout the paper.

1. Translate any two of the following passages into English or Urdu or Hindi: 30

از متون زیر فقط دو را به زبان انگلیسی یا هندی یا اردو ترجمه کنید:

(A)

و هیچ موجود شریفتر از آن نیست که شرف همه موجودات به وی است، و پادشاه و مالک همه عالم اوست، و همه عجایب عالم آثار صنع وی است، پس هیچ معرفت از این معرفت شریفتر و لذیذتر نیست، و هیچ نظاره خوشتر از نظاره حضرت ربو بیت نباشد و مقتضی طبع آن است، برای آن کی مقتضی طبع هر چیز خاصیت وی بود، که وی را برای آن آفریده اند: اگر دلی باشد که در وی تقاضای این معرفت باطل شده باشد، همچون تنی باشد بیمار که در وی تقاضای غذا باطل شده باشد، و باشد که گل دو ستر دارد از نان، و اگر وی را علاج نکنند، تا شهوت طبیعی باز جای خویش آید، و این شهوت فاسد از وی بشود، بد بخت این جهان باشد، و هلاک شود.

(B)

آنکه هر چه بدان حاجتمند باشد در علم و دین وی را بیاموزد: که برادران را از آتش نگاه داشتن، اولیتر آنکه از رنج دنیا؛ و اگر بیاموخت و بدان کار نکرد باید

که نصیحت کند و پند دهد، و وی را به خدای تعالی بترساند؛ لکن باید که این نصیحت در خلوت بود تا از شفقت باشد، که نصیحت بر ملا فضاحت بود و آنچه گویی به لطف گویی نه به عنف، که رسول می گوید- علیه السلام (مومن آئینه مومن بود، یعنی که عیب و نقصان خویش را از وی بداند) و چون برادر تو به شفقت عیب تو در خلوت با تو بگوید، باید که منت داری و خشم نگیری که این همچنان بود که ترا خبر دهد که در درون جامه تو ماری است یا کژدمی؛ از این سخن خشم نگیری بلکه منت داری و همه صفت‌های بد در آدمی مار و کژدم است- لیکن زخم آن در گور پدید آید، و زخم آن بر روح بود.

(C)

سخن در آن افتاد که مریدان به زیارت پیر خود روند و هر یکی بعد از چند گاه رود. بر لفظ مبارک راند که من سه کرات به خدمت شیخ الاسلام فرید الحق والدین قدس الله سره العزیز رفته ام- هر سال یک بار، بعد از آن که نقل فرمود: هفت بار دیگر رفته شده است یا شش بار نیکو یاد نمانده اما، اغلب گمان است که هفت بار رفته شده است- چنانکه در خاطر همچنان مقرر است که در حیات و ممات دو بار رفته شده است بعد از آن فرمود که شیخ جمال الدین هفت بار رفته بود از هانسی- بعد از آن فرمود که شیخ نجیب الدین متوکل رحمة الله علیه اول بار که برفت وقت وداع از خدمت شیخ فاتحه در خواست کرده که همچنین که این بار آمده ام بار دیگر هم بیا یم و سعادت دست بوس دریابم شیخ فرمود که فاتحه خواندن حاجت نیست بارها خواهی آمد- بعد از آن هیژده بار دیگر بیامد- هژده بار که باز گشت فاتحه التماس نمود بر این نیت که اول بار که آمده بودم بر لفظ مبارک رفت که بارها خواهی آمد از آنگاه تا امروز نوزده بار شد-

2. Reproduce any two of the following in Simple Persian: 20

از متون زیر دو را به فارسی ساده باز بنویسید :

(A)

از اینجا سخن در صبر و رضا افتاد. فرمود که صبر آن است که چون مکروهی به بنده رسد در آن صبر کند و شکایتی نکند، اما رضا آن است که چون مکروهی به بنده رسد در آن کراهتی بدو نرسد گویی که آن بلا بدو نرسیده است. بعد از آن فرمود که متکلمان این معنی را منکراند. ایشان می گویند که هر گز تصور ندارد که کسی را مکروهی برسد و او را از آن کراهتی نباشد، فرمود که این را جوابها است یکی آن که بسیار باشد که مردمی در راهی می رود خاری در پای او می خلد و خون می رود و او چنان به تعجیل می رود و دل او مشغول به چیزی است که او را از آن خبر نمی باشد بعد از ساعتی او را معلوم می شود، و بسیار باشد کی یکی در محاربه مشغول است او را زخمی می رسد او چنان مستغرق حرب است که او را اصلاً از آن آگاهی نیست بعد از آن که به مقام خود باز می آید معلوم می شود، اکنون چون استغراق این معنی که گفته آمد از آن درد ها بی خبر می دارد آن که مشغول حق باشد طریق اولی !

(B)

و بدان که کسی که طریق جدل در نصرت آن اعتقاد بیاموزد، وی را حقیقتی مکشوف نشده باشد؛ چون پندارد همه آن است که وی دارد، این پندار حجاب وی گردد و بحکم آن که پندار غالب شود بر کسی که چیزی آموخته باشد، غالب آن بود که این قوم محجوب باشند از این درجه، و این حال جدلیان است. پس اگر کسی از این پندار بیرون آید، علم حجاب او نباشد و آنگاه چون این فتح وی را بر آید، درجه وی به غایت کمال رسد، و راه وی ایمن تر بود، و درست تر بود، که کسی که قدم در علم راسخ نشده باشد، بیشتر آن باشد که مدتی دراز در بند خیالی باطل بماند و اندک مایه شبهتی وی را حجاب کند و عالم از چنین خطر ایمن باشد.

(C)

لختی سخن در مشایخ کبار افتاد و ترقی درجات ایشان بر ابدال بر لفظ مبارک راند که مردی در خانقاه حضرت شیخ عبد القادر گیلانی قدس الله سره العزیز در آمد یکی را دید بر در خانقاه افتاده و دست و پای او شکسته و خراب شده. آن مرد پیش شیخ رفت و حکایت آن افتاده باز گفت و دعا در خواست. شیخ فرمود خاموش باش که او بی ادبی کرده است. آن آینده پر سید که او چه بی ادبی کرده است. شیخ فرمود که او یکی از ابدالان است، دوش او با دو یار دیگر بحکم طیرانی که ایشان راست در هوا می پریدند، چون بر سر این خانقاه رسیدند یکی بار او از خانقاه منحرف شد و بطریق ادب جانب راست شده گذشت، یار دیگر او نیز از خانقاه جانب چپ شده گذشت این خواست که بی ادب بر بالای خانقاه بگذرد بیفتاد.

3. Write a short note on the life of Hasan Sijzi: 15

گزارش کوتاه درباره‌ی احوال و زندگی حسن سجزی بنویسید.

4. Write a short note on Kimiya-e-Sa'adat. 10

گزارش کوتاهی درباره‌ی کیمای سعادت بنویسید :

...